

### آواز کشتگان



- نویسنده: رضا براهنی
- آخرین چاپ: ۱۴۰۰
- انتشارات: نگاه
- تعداد صفحات: ۵۲۰

محمود شریفی استاد دانشگاهی است که به دلیل نوشته‌هایش علیه شاه به زندان افتاده است. بعد از آزاد شدن سمت استادی اش از او گرفته می‌شود و او به عنوان یک کارمند اداری در دانشگاه مشغول می‌شود. محمود سعی می‌کند دور سیاست را خط بکشد، مطلب تحریک‌کننده ننویسد و فقط به همسر خود سهیلا و دخترش گلناز فکر کند. ولی زندگی عادی برای او ممکن نیست...

### رازهای سرزمین من



- نویسنده: رضا براهنی
- آخرین چاپ: ۱۳۹۸
- انتشارات: نگاه
- تعداد صفحات: ۱۳۱۱

رمانی تاریخی است که در سال ۱۳۶۶ منتشر شده است. داستان بلندی که حول رخداد‌های مهم ایران معاصر من جمله سربرآوردن فرقه‌ی دموکرات در آذربایجان، حضور مستشاران آمریکایی در ایران، کودتای ۱۳۳۲، رفتن شاه و در نهایت پیروزی انقلاب می‌چرخد. رمانی واقعگرا است که در قسمت‌هایی از کتاب به سمت رئالیسم جادویی می‌رود.

### خطاب به پروانه‌ها



- نویسنده: رضا براهنی
- آخرین چاپ: ۱۳۹۳
- انتشارات: مرکز
- تعداد صفحات: ۲۰۰

براهنی «خطاب به پروانه‌ها» را مهم‌ترین مجموعه شعر خود می‌داند. حرکت از شعر تک‌وزنی به سوی اوزان مرکب و ترکیبی و شعر چندصدایی، رهایی تدریجی از استبداد نحوی زبان و حرکت به سوی آفریدن همه ارکان زبان در یک شعر-بانتی که نه عروض کلاسیک و نیمايي، بلکه ذهن خواننده باید برای شعر پیدا کند، آزاد کردن شعر از قید تصویر، مفهوم، احساس و وزن خارج از ساختار شعر و ارجاع ناپذیر کردن شعر به اجزای بیرون از شعر، از ویژگی‌های اساسی تعداد زیادی از شعرهای این کتاب است.

# علیه این علیه آن

## رضا براهنی قلمی توانمند در ساحاتی متفاوت از زبان و ادبیات فارسی داشت

### مونا رستا

داستان‌نویس و منتقد

دکتر رضا براهنی نویسنده، شاعر، مترجم، نظریه‌پرداز و منتقد ادبی و به عبارت دیگر، حکیم جامع‌الاطراف ادبیات معاصر فارسی بود که هرگز به اندازه قامتش قدر ندید و در پنجمین روز از هزار و چهارصد و یکمین سال تقویم خورشیدی از آستانه گذشت.

او چند دهه پایانی عمر خود را به دور از ایران و چند سال پایانی آن را در فراموشی گذراند. با این حال، مرگ او واکنش‌هایی از یک‌سو دامنه‌دار و از سوی دیگر، متفاوت را در فضای ادبیات و اندیشگی فارسی زبان برانگیخت.

رضا براهنی در بیست و یکمین روز از آذرماه سال هزار و سیصد و چهارده در تبریز به دنیا آمد. سال‌های کودکی، نوجوانی و جوانی اش را در تبریز-پرماجرایی آن سال‌ها گذراند. شهری که رفت‌وآمد ارتش سرخ، ظهور و سقوط فرقه دموکرات و سال‌های ناآرام پس از آن تا دهه سی را به چشم دید.

آنچه در این سال‌ها بر این شهر گذشت از یک سو رویکرد سیاسی و اجتماعی براهنی را شکل و جهت داد و از سوی دیگر، الهام‌بخش بسیاری از شعرها و داستان‌های او شد.

او پس از گرفتن لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی در تبریز، برای ادامه تحصیل به ترکیه رفت. تحصیلاتش را تا پایان مقطع دکتری در آنجا ادامه داد و دوباره به ایران بازگشت اما این بار به تهران رفت.

می‌توان گفت که حضور براهنی در جامعه ادبی ایران از همین دوره آغاز شد. حضوری که حتی با دو دهه دوری او از ایران، تا به امروز به شکلی تاثیرگذار ادامه یافته است. فعالیت‌های براهنی پس از اتمام تحصیلات و بازگشت به ایران و وجهه‌ای آکادمیک نیز داشت که باز هم در حوزه ادبیات بود.

براهنی در اوایل دهه هزار و سیصد و چهل خورشیدی به

استخدام دانشگاه تهران درآمد. او طی سال‌های فعالیت دانشگاهی خود، دوره فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی و همچنین ادبیات تطبیقی را بنیان نهاد که دومی پس از انقلاب فرهنگی برچیده و بعد از دو دهه در اوایل دهه هزار و سیصد و نود خورشیدی دوباره به شکلی محدود دایر شد. براهنی دو سال ابتدایی دهه هزار و سیصد و پنجاه خورشیدی را به تدریس ادبیات انگلیسی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌هایی از جمله دانشگاه آمریکایی قاهره، دانشگاه تگزاس و دانشگاه یوتا گذراند. در سال هزار و سیصد و پنجاه و دو و پس از بازگشت به ایران، از سوی ساواک دستگیر شد و به زندان افتاد. او سه ماه بعد به دنبال فشارهای بین‌المللی بر رژیم پهلوی آزاد شد، سه ماه بعد ایران را به مقصد آمریکا ترک کرد و تا پیروزی انقلاب در بهمن پنجاه و هفت در آنجا ماند.

در طول این سال‌ها ولی عملا دست از مبارزه با رژیم پهلوی برنداشت، به شکلی که عملکرد او را می‌توان مهیب‌ترین ضربات بر وجهه بین‌المللی رژیم پهلوی در آن سال‌ها توصیف کرد. انتشار مقاله بحث برانگیز «اتاق‌های تمشیت» یکی از همین فعالیت‌ها بود که برای او جایزه بهترین روزنامه‌نگار سال ۱۹۷۷ میلادی در مسائل انسانی را از سوی باشگاه مطبوعات جهانی آمریکا به دنبال داشت. در این سال‌ها براهنی در معتبرترین دانشگاه‌های آمریکا سخنرانی می‌کرد، مقالات و شعرهایش در نشریات به چاپ می‌رسید و به استنادی دائم ادبیات خلاقه در دانشگاه مرلیند نیز درآمد بود ولی با وقوع انقلاب به ایران بازگشت. همسرش در توصیف بازگشت او به ایران می‌گوید: «هنوز هواپیمایی که شاه را از ایران می‌برد توی آسمان بود که رضا با عجله چمدانش را پر از کتاب‌ها و نوشته‌هایش کرد و رفت ایران.» اما پس از چند سال دوباره و این بار برای همیشه ایران را ترک کرد

در حالی که تجربه منفصل شدن از خدمات دولتی، برکناری از تدریس در دانشگاه و ممنوعیت چاپ آثارش را از سر گذرانده بود. با این همه، نتیجه این محدودیت‌ها چیزی جز برقرار شدن کارگاه‌های جریان‌ساز شعر و داستان در زیرزمین خانه‌اش نبود که نتایج آن تا به امروز باقی و قابل بحث است. آخرین ضربه ولی، ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و گمانه‌زنی‌ها مبنی بر فرار گرفتن نام او در لیست مرگ در اواخر دهه هزار و سیصد و هفتاد خورشیدی بود.

براهنی این بار به دنبال خطری که جاننش را تهدید می‌کرد به کانادا رفت. او باقی زندگی شخصی و حرفه‌ای خودش را در این کشور گذراند، به فعالیت دانشگاهی اش ادامه داد، برای مدتی رئیس انجمن قلم کانادا شد و اگر چه که بیش از دو دهه از ایران دور بود، بحث و البته بیشتر مجادله بر سر او هیچ‌وقت از رونق نیفتاد.

در مقابل، مقوله‌ای که هیچ‌وقت آن چنان که باید رونق نیافت، بحث دقیق، جدی و علمی بر سر آراء و آثارش در دوره‌های مختلف زندگی حرفه‌ای او بود. در واقع، بحث‌های شکل گرفته پیرامون او اغلب همراه بود با هجمه‌های ناشی از ناخواندگی که پس از مرگش با قیل و قال‌های غرض‌ورزانه هم همراه شد. ویژگی‌های خاص منظومه فکری براهنی نیز به این وضعیت دامن می‌زد زیرا مجموعه‌ای بود پیچیده و پویا که دوره‌هایی متفاوت و گاهی ناهمسو را در خود جا داده بود و آنچه ضرورتش بیش از هر زمان پس از مرگ او روشن شد، لزوم اصلاح کج‌فهمی‌ها و بدفهمی‌های موجود درباره او بود.

روشن‌ترین هشدار و اصلی‌ترین راهکار در این باره را او خود در جملاتی از دیباچه کتاب «بحران رهبری نقد ادبی» به دست می‌دهد: «نباید کتاب‌های نقد و انتقاد و تئوری ادبی مرا طوری خواند که انگار آنها در زمان واحد نوشته شده‌اند و به تبع این